

متن پیاده سازی شده جلسه چهاردهم تفسیر قرآن کریم 12 بهمن ماه 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

کلمه الرحمن

الرحمن الرحيم چهار کلمه است یعنی الف ولام با رحمان و الف ولام با رحيم جمعا کلمه می شود. درباره کلمه رحمان در نگاه اول دو نظر است:

1. فقيل إنه علم بالغلبة و ال الداخلة عليه زائده: برخی گفته اند رحمان علم برای خداوند است. رحمان را از ابتدا برای خدا علم نکرده اند منتهی در مورد خدای متعال غلبه پیدا کرده است. با این نظر قهراً باید الف ولام را زائد بگیریم.
2. وصف لا علم: اکثریت قابل اعتنایی هم گفته اند رحمان معنای وصفی دارد و معنای علم ندارد. اگر صفت باشد طبیعتاً معنای وصفی دارد که خود این معنا 3 احتمال دارد:

أ. اسم فاعل باشد مثل لحنان: اسم فاعل دلالت بر حدوث می کند یعنی دلالت بر کار می کند .

ب. صیغه مبالغه باشد مثل فعلان: صیغه مبالغه هم حدوث است ولی حدوث با مبالغه.

ت. صفت مشبیه باشد: صفت مشبیه دال بر ثبوت است.

حدوثی که در اسم فاعل می گویند و ثبوتی که در صفت مشبیه می گویند در پرسش از اساتید گفته اند یعنی حادثه زودگذر است و ثبوت یعنی دوام دارد. اگر شما می خواهید بگوئید مثلاً زید کشته شده عمراً است اینجا دال بر حدوث است؛ اما اگر می خواهید بگوئید مثلاً زید روحیه کشتندگی دارد اینجا دال بر ثبوت است. ممکن است کسی حالت موقتی پیدا کند اینجا صفت مشبیه می آید و یک کسی چهل سال است که معلم است که اینجا اسم فاعل می آید، پس بین اسم فاعل و صفت مشبیه عام و خاص من وجه جاری است.

رحمان می تواند اسم فاعل باشد، می تواند با مبالغه و بدون مبالغه باشد و می تواند صفت مشبیه باشد. اگر بگوئیم خداوند نعمت اش را بر بندگان می بخشد حدوث را در نظر می گیریم و اسم فاعل است. اگر بگوئیم خداوند این حالت را دارد صفت مشبیه می شود.

بنده تا 25 قسم برای الف ولام شمرده ام: الف ولام زائد، موصول، عهد، استغراق، جنس و غیره.

الف ولام الرحمن زائد نیست، الف ولام عهد با 3 قسم اش (عهد ذکری - عهد ذهنی - عهد حضوری) هم نیست.

الف ولام استغراق با اقسام اش (استغراق حقیقی - استغراق مجازی) هم نیست؛ در استغراق می گویند باید کل را جایگزین کنیم ولی اینجا چه معنی می دهد که به جای الرحمن کل بیاوریم. بلی مثلاً در ان الانسان لفی خسر می توان کل را آورد که بشود ان کل انسان لفی خسر ولی در بسم الله الرحمن الرحيم نمی توان کل را آورد.

الف ولام جنس هم نیست زیرا الرحمن برای بیان ماهیت نیست مثل الماء، الشجر.

الف ولام موصول است. الف ولام موصول را اسم می دانیم زیرا با توجه به مورد معنای الذی، التی، الذان و غیره را می - دهد.

در اینجا معنای الذی می دهد. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت داریم الف ولام الرحمن موصول است. البته امام

بگونه ای تفسیر کرده اند که به جای الف ولام، الذی را آورده اند. (فَقُولُوا عِنْدَ افْتِتَاحِ كُلِّ امْرٍ صَغِيرٍ اَوْ عَظِيمٍ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ

الرَّحِيمِ) مردم موقع شروع هر کار ریز و درشت (أَيُّ اسْتَعِينُ عَلَيَّ هَذَا الْأَمْرِ) کمک می گیرم بر کاری که می - خواهم انجام بدهم (اللّٰهُ الَّذِي لَا تَحِقُّ الْعِبَادَةُ لِغَيْرِهِ الْمَغِيثُ إِذَا اسْتُعِيتَ وَ الْمَجِيبُ إِذَا دُعِيَ الرَّحْمٰنُ الَّذِي يَرْحَمُ بِسَطِّ الرِّزْقِ عَلَيْنَا الرَّحِيمِ بِنَا فِي أَدْيَانِنَا وَ دُنْيَانَا وَ آخِرَتِنَا خَفَّفَ عَلَيْنَا الدِّينَ وَ جَعَلَهُ سَهْلًا خَفِيفًا وَ هُوَ يَرْحَمُنَا بِتَمِيزِنَا عَنْ أَعَادِيهِ) در این حدیث حداقل دو بار الذی آمده

است و فضا فضای علم بالغلبه نیست و فضای فعل و فیض و ریش رحمت است. به نظر ما این روایت امام مشیر به عبارات ما است. کسانی هم که علم بالغلبه را گرفته اند دو دلیل آورده اند: اول اینکه خیلی وقت ها رحمان در مورد الله تنها استعمال می شود ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ﴾ و دوم اینکه رحمان فقط بر خداوند اطلاق می شود. اینکه رحمان بر غیر خدا اطلاق نشود یا بدون موصوف بیاید دلیل بر علمیت نیست. اگر بگوئیم وصف خاص خداوند است و نباید به غیر خدا رحمان بگوئیم، در این حالت هم خود لفظ محدود نیست ولو اینکه یک مصداق داشته باشد مثل شیخ الفقها که کلی و قابل اطلاق بر کثیرین است ولی امکان دارد شیخ الفقها در یک عصری فقط یک مصداق داشته باشد. صرف کلی بودن دلیل بر زیادی افراد در خارج نیست. الرحمن هم کلی است و علم نیست ولی معنای اش بگونه ای است که بر غیر خدا اطلاق نمی شود. یا اینکه بگوئیم رحمان تنها می آید و اگر قرینه باشد خیلی وقت ها موصوف حذف می شود.

کلمه الرحیم

الرحیم بحث چندانی ندارد یعنی بحث هایش با رحمان فرق دارد. یعنی کسی نگفته رحیم علم است، هیچ کس الف و لام الرحیم را زائد نگرفته است. رحیم صفت مشبیه و دال بر ثبوت است و الف و لام رحیم هم موصول است. یک روایتی داریم که مستقیماً بر واژه رحیم اشاره می کند. الذی یرحم، در اینجا چون اسم فاعل راحم داریم پس فعیل را اسم فاعل نمی گیریم و صفت مشبیه در نظر می گیریم برخلاف وقتی که صفت مشبیه داشتیم مانند کریم که اسم فاعل ندارد و همین صفت مشبیه به جای اسم فاعل هم منظور می شود.

فرق رحمان و رحیم چیست؟

معنای فارسی رحمان و رحیم چیست؟

نسبت رحمانیت و رحیمیت خداوند با حکمت و عدل چیست؟

این سوالات با اینکه ساده هستند ولی بعضاً بحث و جدال روی این سوالات بیخ پیدا می کند. مثلاً نسبت رحمان و رحیم بودن خداوند با عذاب ها چگونه می شود و برخی نمی توانند عذاب های خداوند را بفهمند و تا مرز انکار هم پیش رفته و می روند. بحث انکار یک دوره هایی رایج بوده بعدها نسیاً منسیا شد؛ دوباره چندسالی است که نشر پیدا کرده است.

همچنین بحث خلود را هم گاهی نمی توانند درک کنند. ما خلود را تعبداً قبول داریم چون در قرآن و روایات آمده است ولی بعضی وقت ها آدم هایی هستند که به این بحث ها خیلی ورود می کنند و به اصطلاح ماجراجو هستند که به اینگونه افراد نمی شود بگوئیم فضولی نکنید، ماجراجویی نکنید. اگر ما حافظ دین هستیم باید پاسخ و توضیح ارائه کنیم.

فرق رحمان با رحیم چیست؟

مفسران بحث های زیادی کرده اند که با مراجعه به تفاسیر المیزان و نمونه و تفسیر های عربی مطلب روشن می شود. مفسران معمولاً گفته اند که رحمان بر نعمت گسترده خداوند دلالت می کند و رحیم بر نعمت خاصه خداوند دلالت می کند لذا وقتی می خواهیم بگوئیم ای خداوند مهربان و دوست داشتی تو همه را رزق و روزی می دهی واژه یا رحمان را به کار می بریم و وقتی می خواهیم بگوئیم ای خداوند تو چقدر عزیزی، چقدر حساب شده کار می کنی و چقدر هوای مومنان را داری واژه یا رحیم را به کار می بریم. لذا خداوند در دنیا رحمان است ولی چون در آخرت مثلاً رحمت الهی شامل حال کفار و فساق نمی شود خداوند رحیم است. یا رحمان الدنيا و الآخرة و رحیم الآخرة.

اگر آخر این بیانات را فاکتور بگیرد، ریشه کلام مفسرین به روایتی از امام صادق علیه السلام برمی گردد. امام صادق می فرماید: (الرَّحْمَنُ اِسْمٌ خَاصٌّ بِصِفَةِ عَامَّةٍ وَ الرَّحِيمُ اِسْمٌ عَامٌّ بِصِفَةِ خَاصَّةٍ). امام می فرماید رحمان اسم خاص است و بر یک صفت گسترده دلالت می کند و رحیم اسم عام است اما بر صفت خاصی دلالتی می کند. مفسران مانند علامه طباطبایی و دیگران بصفة الخاص را در قالب صفت خاص برای مومنان و دیگران معنا کرده اند، لذا می گویند خداوند رحیم بر مومنان است و رحمان بر همه است.

سوالات آخر درس

سوال 1: روایت الذی یرحم ظاهراً به رحمان بر می گردد چون در ادامه روایت رحیم هم آمده است. الرحمن الذی یرحم و بعد الرحیم بنا آمده است.

پاسخ: تا اینجا کار الله است و البته این روایت تایید می کند که الله علم نیست. بنده اینگونه معنا کردم که الرحمن است. هفته

آینده یادآوری کنید دوباره روایت را بازخوانی کنیم.